

# مهمان‌نوازی در فرهنگ عامه و تأثیر آن بر گردشگری و ایران‌شناسی

عباس قنبری عُدیوی<sup>۱</sup>

## چکیده

زندگی ایرانی-اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که از جمله آنها میتوان به مهمان‌نوازی بعنوان بخشی از فرهنگ شفاهی و ناملموس اقوام ایرانی اشاره کرد و تجلی آن را در ادبیات، هنر، شعر، موسیقی، آداب و رسوم اقلیمی میتوان مشاهده کرد. فرهنگ و ادبیات اقوام ایرانی، مهمان و مهمانی و صفت مهمان‌نوازی را بشکل ویژه‌یی مورد توجه قرار داده است. این موضوع مورد توجه ایران‌شناسان، گردشگران و جهانگردان واقع شده و میتواند بعنوان یک عنصر اثرگذار فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی-سیاسی تلقی گردد. به این ترتیب دانش-صنعت گردشگری باید برای کسب و کار پررونق و موفق بعنوان آینه تجلی شخصیت جهانی مردم ایران، به موضوع مهم مهمان‌نوازی توجهی شایان داشته باشد. مهمان‌نوازی ایرانیان از دیرباز در سفرنامه‌ها، مستندها و مصاحبه‌های گردشگران بعنوان سفیران بازگشته از ایران، بعنوان جاذبه برتر شناخته شده است. نوشتار حاضر بر پایه مطالعات مردم‌شناسی، مهمان‌نوازی را بعنوان یکی از رفتارهای پسندیده و اخلاقی زندگی ایرانی، در فرهنگ عامه مورد پژوهش قرار داده، درصدد است با توجه به عناصر قوم‌شناسانه رابطه آن را با فرایند جذب گردشگر نمایانتر سازد.

## کلید واژگان

مهمان‌نوازی؛ فرهنگ مردم؛ اقوام ایرانی؛ گردشگری

## مقدمه

در فرهنگ مردم ایران صفتهای پسندیده بسیاری وجود دارد که در رفتارهای اجتماعی طبقات مختلف جامعه ایرانی نمایان میشود. به گواه تاریخ، ایرانیان همواره به ادب، اخلاق، انسانیت و حسن معاشرت معروف و مقید بوده‌اند. مهمان‌نوازی یکی از این صفات ارزنده‌ی است که بخش مهمی از فرهنگ شفاهی و مکتوب، ادبیات و اصول اجتماعی و روشهای اندرزی را در زندگی ایرانی-اسلامی مردم به خود اختصاص میدهد. بررسی همه‌جانبه این مسئله از مقال نوشتار حاضر خارج است ولی میتوان با ارائه نمونه‌هایی از مهمان‌نوازی ایرانی، اهمیت این رفتار اجتماعی را با توجه به صنعت گردشگری بیان کرد.

این نوشتار به روش میدانی-کتابخانه‌یی و توصیفی و با بهره‌مندی از فرهنگ مردم<sup>۱</sup> برخی از نواحی ایران زمین بصورت نمونه، جایگاه این سنت ارزنده را بین اقوام ایرانی مشخصتر میسازد. واژه‌های مهمان، مهمانی، مهمان‌نوازی، مهمان‌پذیر، مهمان‌پرست، مهمان‌پرور، مهمان‌خدای، مهمان‌خانه، مهمان‌دار، مهمان‌داری، مهمان‌دوست، مهمان‌سرا و صفاتی چون مهمان‌نواز بودن، مهمان‌پذیر بودن و ... برخی از واژه‌های فرهنگها، لغت‌نامه‌ها و دایرةالمعارفهای تخصصی ایرانی هستند که نمونه‌یی از ارجمندی این جایگاه در ادبیات ایرانی را به نمایش میگذارند (دهخدا، ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۱۹۳۶۳-۱۹۳۶۶). از نظر نامگذاری جغرافیایی هم روستاها و شهرهایی چون: مهمان‌دار، مهمان‌دوست، مهمانلو و مهمانی از این اهمیت سخن میگوید. در هر خانه ایرانی، اتاقی وجود دارد که بهترین امکانات نور و فضا، تجهیزات و تزئینات را داراست و برای پذیرش مهمان همیشه آماده و مرتب، تمیز و خوشبوست. مشاغلی چون مهماندار، مهمان‌خانه‌چی، مهمان‌دارباشی هم از بخش اشتغال این هنر برمی‌آید. صفت‌هایی چون مهمان‌خوانده یا ناخوانده، خودی یا غیرخودی، محرم یا نامحرم، خوش‌قدم، خودمانی، مهمان‌دوره‌یی، مهمان‌دعوتی، مهمانی خانوادگی، مهمانی مجردی، مردانه و زنانه، بی‌ادعا و ... نیز حاکی از این فرهنگ است. در بازی کودکان هم مهمان‌بازی داریم. سور و سات و سور و ولیمه قبل و بعد از زیارت حج و عتبات (در بوشهر و اطلبو-خلعتبری لیماک، ۱۳۸۸: ۴۳) عروسی و حتی عزاداری از مسائل فرهنگ عمومی ماست. میزد در معماری ایرانی نوعی سکو یا بتعبیر امروزی، «میز» بود که در خانه‌ها وجود داشت و لوازم پذیرایی (خوردنیهای آبدار یا خشک) را بر روی آن می‌گذاشتند و میزدپان

(میزبان)، کسی بود که این مسئولیت را عهده‌دار بود. در بختیاری مهمان‌خانه را «لامردون» و در برخی جاها «شاه‌نشین»، «ایوانی» و... می‌گویند. در ادبیات فارسی و جزئی‌تر، ادبیات گویشی و بومی مناطق مختلف نیز سرایندگان و نویسندگان مباحث مختلفی را به این موضوع اساسی اختصاص داده‌اند. اشعاری چون: بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی (سعدی، بنقل از دهخدا، ۱۳۶۱: ۴۴۰) و درخت اگر متحرک بدی ز جای / نه جور اره کشیدی نه جفای تبر و... نمونه‌هایی از توصیه به سفر است. رزق خویش بدست تو میخورد مهمان (همان: ۸۶۶). در متون نثر هم مبحث مهمانی جایگاه مهمی دارد: قابوس‌نامه (کاووس‌نامه اثر امیر عنصرالمعالی کیکاووس ابن اسکندر ابن وشمگیر زیاری) باب دوازدهم کتاب خود را به آیین مهمان‌کردن و مهمان‌شدن اختصاص داده است و در آن نوع تعارفها، همراهی میزبان با مهمان، خوراکها و باید و نبایدهای این سنت را برای فرزندش یادآوری می‌کند.

«فرهنگ» یکی از مهمترین جایگاههایی است که این سنت را در بین ایرانیان آشکارتر می‌سازد. فرهنگ را به دو بخش فرهنگ مادی و غیرمادی تقسیم می‌کنند. هویت اصلی یک جامعه با بعد غیرمادی آن شناخته می‌شود. حوزه فرهنگی جامعه و قوم را میتوان از طریق رفتارهای اجتماعی و ادبیات شفاهی، گفتاری یا فولکلور آنان بررسی کرد. در مطالعات قوم‌شناسی، مردم‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی به این امور توجه اساسی می‌شود. فولکلور یا دانش عوام و فرهنگ مردم، مجموعه آداب، رسوم، باورها، عقاید و آفریده‌های مردم است. این دانش در حوزه‌های طبیعی، فرهنگ، اقتصاد، دین، ادبیات و... جستجو می‌کند. در حوزه دین و مذهب، جایگاه انسان، ارتباط اجتماعی و بطور خاص «مهمان» بسیار برجسته و مهم است که از پرداختن به آن در این مقال می‌پرهیزیم.

در بخش ادبیات و آفرینشهای مردمی گونه‌های متنوعی چون تعارفها، ضرب‌المثلهای، ترانه‌ها، اشعار، مثل و قصه و... وجود دارد. در بخش مطالعات فرهنگی غیرمادی به سه واژه عنصر، ترکیب و حوزه فرهنگی نیاز داریم. عنصر فرهنگی شامل اجزاء یک پدیده قابل تعریف است؛ مثلاً بهون یا سیاه چادر عشایری، هور و هورج و شیردنگ و... عناصرند و مجموعه‌ی شبیه آیین عروسی، کتل و مافگه در عزاداری و یا اسفند دود کردن، آب و آیینه آوردن، سفره چینی و... ترکیبند و حوزه فرهنگی دربرگیرنده هر قوم، طایفه و منطقه‌ی است که وجوه مشترکی در این آداب و رسوم دارند (قبرئیه عدیوی، ۱۳۹۱: ۱۱). فولکلورشناسی برای بررسی یکی از موضوعات مهم چون «مهمانی» و «مهمان‌نوازی» به این بحث می‌پردازد.

در حوزه رفتارشناسی قومی با توجه به ویژگیهای اقلیمی سرزمین و مردم ساکن نواحی شرق و غرب، جنوب و شمال ایران، شیوه‌های دقیق و بسیار گسترده‌یی وجود دارد که با عنایت به موضوع بحث، مهمانی و مهمان‌نوازی جایگاهی بس رفیع دارد و همه اقوام ایرانی به فراخور نوع زندگی شهری، روستایی و یا عشایری خود برای ایجاد رضایت مهمان تلاش میکنند. اغلب ایرانیها با اسفند و همهمه و شادمانی از مهمان استقبال میکنند و بهترین لباسهای خود را پوشیده و نظافت محیط و خانه را انجام میدهند و بهترین خوراک و لوازم پذیرایی را تهیه میکنند و از بهترین الفاظ و واژگان در تعارفها بهره میبرند و از محصولات و تنقلات خود برای مهمان تحفه میبرند. در ایلات و عشایر با قربانی کردن گوسفند و گوساله جلوی پای مهمان، مراتب ارادت خود را در عمل نشان میدهند (مصاحبه با شهناز قره‌تپه). مهمان تا زمانی که در خانه است نباید از نظر گفتاری و رفتاری کاری کرد و یا سخنی گفت که او به خود گیرد و باعث رنجش او شود. هنگامی هم که قصد رفتن کرد، هدایایی برای سوغات و اهل خانواده‌اش تهیه میکنند و با ریختن آب پشت سر وی، او را بدرقه مینمایند (مصاحبه با راشین کریمی).

در ایلات و عشایر و روستاها برای مهمان عزیز با ساز و دهل و یا همهمه و شلیک تفنگ به استقبال میروند. این امر در عروسی و حتی آیین سوگواری نیز اتفاق می‌افتد (مصاحبه با گودرز خدادادی). مهمان‌نوازی ایرانی بگونه‌یی است که اگر قاتل و گنهکاری هم به آنها پناه ببرد تا زمانی که در خانه ایشان است، در امن و آسایش است و میزبان، خود را برای حفظ جان او بخطر می‌اندازد. تواضع و فروتنی میزبان، آزادی مهمان، مجاز بودن او برای انتخاب نوع خوراک، پوشش و شرایط مهمانی، آرامش خانواده برای این رویداد مهم، از آداب و سنن مهمانی در فرهنگ ماست. روزنشینی و شب‌نشینی، خوردن خوراکیها (شب‌چره)، گفت و شنود سخنان و خاطره‌ها، کتابخوانی و شعرخوانی، تفریح بیرون، جایگاه زنان و کودکان و سالخوردگان در مهمانی و دهها مطلب ریز و درشت دیگر بخشهایی از خرده فرهنگهای اقوام ایرانی در حوزه پر ارزش مهمانی است که هر یک مقالات متعددی را میتواند بخود اختصاص دهد. گردشگران و جهانگردان در سفرنامه‌های خود از این ویژگی ایرانیان به نیکی یاد کرده‌اند که در ذیل نمونه‌یی از آن را یاد میکنیم:

مستند علف (۱۹۲۴م.) و قوم باد دو مستند تاریخی همراه با کوچ عشایر بختیاری (طایفه‌های بابا احمدی و بابادی) و بلوط (در کهگیلویه و بویراحمد) نمونه‌هایی از فرهنگ مهمان‌نوازی ایرانی را بی هیچ پاداش و شایبه‌یی، به روایت تصویر بیان میکنند. مریان سی کوپر در جای‌جای یادداشتهای خود در کتاب

علف، از مهمان‌نوازی طایفه بابا احمدی مینویسد (کوپر، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۴۳؛ ر.ک: مقصودلو، ۱۳۸۹). همچنین وی در گزارش خود به مردم کشورش از رفتار اخلاقی و احترام‌آمیز مردان بختیاری به خانم مارگاریت هریسون زیبا اشاره میکند که در طول سفر در امنیت کامل بود و هیچ کسی نگاه بدی هم به او نکرد (ر.ک: همان).

گردشگران به اهمیت خوردن نان خود با مهمان، کم‌خوری ایرانیان و پخت غذا برای مهمان و پذیرایی بسیار ایرانیان اشاره میکنند (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۷). مهمان‌نوازی و گشاده‌دستی از ویژگی‌های اقوام ایرانی است که در متون سیاحان و خارجیها به آن توجه شده است. در رفتارشناسی ایرانیان نکته‌های بسیاری از زبان گردشگران آمده است (فلاحی، ۱۳۹۱: ۶۲ بعد) برای نمونه ابن بطوطه میگوید: اصفهانیها مردم گشاده‌دستند. هم‌چشمی و تفاخری که میان ایشان در مورد طعام و مهمان‌نوازی وجود دارد منشأ حکایات غریبی است (همان: ۶۳). ویلسون در شرح سفرش به اردل و دیدار با یکی از خانواده خوانین بختیاری مینویسد: راهنمایم اظهار داشت مادر یکی از خوانین بزرگ بختیاری در قلعه کوچکی مقیم است... خاتون زنی فوق‌العاده رئوف و مهمان‌نواز بود. بهترین اتاقها را در اختیارم گذاشته بود. اتاق من با فرشها و قالیچه‌هایی که محصول کار بافندگان محلی بود مفروش گردیده بود. غذایی که به ما دادند بمراتب از غذای گرانترین رستورانهای لندن گرانباتر و بهتر بود. پس از صرف شام خاتون به دیدنم آمد. بعد از تعارفات معمولی استنطاقم شروع شد. درباره وقایع اخیر تهران، اصفهان، شیراز و حوادث خارج از مرزهای ایران پرسشهایی داشت. تاکنون با کمتر کسی از مردان و زنان ایرانی برخورد کرده بودم که چون این زن در تشریح نظرات سیاسی آگاه و نکته‌سنج باشد... (ویلسون، ۱۳۹۴: ۳۳۹). نکته‌هایی شبیه توجه به نان و نمک در عرف و عادت اقوام ایرانی بگونه‌یی که اگر دشمنی هم نان و نمک خورد در امان میماند مورد دقت این گردشگران بوده است (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۵۳۶). بارون دوئد مینویسد: باید منصفانه بگویم که شکایتی از لرستانیها ندارم. زیرا با اینکه هیچگاه بیش از سه یا چهار مرد همراه نبود، هرگز لرها به من آزاری نرساندند و برعکس هر جا رفتم با مهمان‌نوازی آنها روبه‌رو شدم (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۹۵: ۱۱۳). وی بارها در سفرنامه خود از لرها به نیکی یاد کرده و درباره رسم مهمان‌نوازی زنان مینویسد: هنگامی که به چادر ایللیاتیها (کوچ‌نشینان) نزدیک میشوی، زنانی را میبینی که برای مهمان غریبه گیاهان خوشبو دود میکنند و این نشانه خوش‌آمدی است که از صمیم قلب میگویند (همان: ۱۱۴). رسم هدیه دادن به مهمانان را نیز میتوان از لابلای نوشته‌ها و سفرنامه‌های گردشگرانی چون ویتا سکویل وست جست که از

ایلخانی بختیاری یک تسبیح مرجانی دانه درشت هدیه گرفته بود (وست، ۱۳۸۰: ۱۵۱).  
 خرده‌فرهنگ‌های منطقه‌ی مهمانی در عزا و عروسی از دوره‌های مختلف شامل شناسایی دختر،  
 خواستگاری، عقد، عروسی و مراسم پس از آن تا هدیه دادن و ... متفاوت و بسیار متنوع است. در  
 آیین مهمانی در رستورانها و هتلها، فروشگاهها، بازارچه‌های محلی، بازارهای ساحلی یا کویری  
 و کوهستانی، تعارفهای معمول که گاهی در حد شبه‌دعوا پیش میرود، بخشی از عناصر و ترکیبات  
 در حوزه‌های فرهنگی کشور است.

### مهمانی و مهمان نوازی در فولکلور

#### الف) ضرب‌المثل

ضرب‌المثل یکی از پرکاربردترین گونه‌های ادب شفاهی است که انعکاس تجربه و صدای  
 فرهنگ اقوام است. در کتاب ارزنده فرهنگ بزرگ ضرب‌المثلهای فارسی اثر ذوالفقاری بالغ بر  
 دویست متن درباره مهمان آورده است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۸۸) یا بهمن دهگان در فرهنگ  
 جامع ضرب‌المثلهای فارسی ۷۵ متن را آورده (ر.ک: دهگان، ۱۳۸۳) که ذکر همه این موارد از  
 حوصله بحث خارج است ولی بیان چند مورد آن مفید است:

مهمان هدیه خداست (عوام). مهمان آمد نان می‌خواهد، اجل آمد جان می‌خواهد (دارابی) مهمان از  
 خوب خوردن خشنود نمیشود بلکه از روی خوش صاحبخانه خوشحال میشود (ساوه‌یی) مهمان  
 از در درآمد، رزقش از دریچه (دماوندی، بختیاری، تاجیکی و افغانستانی) به شهر میری نون  
 وردار به ده میری چوب وردار (چهارمحالی). مهمان تحفه‌یی از تحفه‌های بهشت (شکورزاده).  
 مهمان خضاب خانه است (تهرانی). مهمان خوش آمد تا به واسطه او یک لقمه نان بخورم (لری  
 و بختیاری). مهمان درد و بلای خانه را میبرد (گیلکی). مهمان دلش بسیار نازک است (کردی).  
 مهمان زینت خانه است (هزاره‌یی). مهمان سوغات خداست (ترکمنی). مهمان که از در درآمد  
 برکت از پنجره خواهد رسید (مازندرانی). مهمانی رفتن پای پس هم دارد (سخن). در هر مزگان:  
 مهمون روزیش جلوتر آتات یا مهمون هر که هه تو خونه هرچه هه (قتالی، ۱۳۸۶: ۶۹۳-۶۹۴).  
 مهمون و برا مهمون (مهمان برادر مهمان- همراهان مهمان هم عزیزند) (عسکری عالم، ۱۳۸۸:  
 ۷۳۰). اول ساقی، بعد هم باقی؛ مهمان حبیب خداست. مهمان با خودش رزقش را می‌آورد.  
 خدا بده مهمونی تا بخوریم یه نونی. مادر زنت دوستت دارد (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۸: ۴۱).  
 حق نان و نمک، نان خوردن و نمکدان شکستن، خونه به مهمون خشه راه به رفیق، کدخدایی

شارت و بارت اخویه دو من هم آرت اخو (بختیاری). مهمان از پدر عزیزتر است، کلید روزی خانه دست مهمان است، مهمان تاج سر صاحبخانه است، مهمون رزق خسه خوره، مهمون هر که هونه خدا هرچه، خدا بده مهمونی تا ز بالاس بخوریم نونی، مهمون روزی خور، خُذ خو میاره و بلا یوره مَبَرَه (زنگویی، ۱۳۹۱: ۶۹۷). بختیاری برای مهمان ارزش والایی قایل است و آن را گرامی میدارد (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۳۴-۲۳۵). عرب خوزستان میگویند: (ضیف البخیل آمن من التخمه: مهمان زفتان و سیه کاسگان از ناگواری و گرانی شکم آزاد است (پورکاظم، ۱۳۸۰: ۱۵۲؛ دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۰۶۳/۲). در گنجینه امثال و حکم دهخدا متنهای بسیاری به جد و هزل به فارسی و عربی وجود دارد: مهمان مهمان را نمیتواند دید، صاحبخانه هیچیک را (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۷۶۴/۴) یا مهمان خودیم لیک در خانه تو (همانجا). در طنز هم از کسانی که با مهمان بدرفتاری کنند نیز سخنانی گفته میشود: یک مهمانم را بکشی ده مهمانت را میکشم، مهمان آهوی (خر) صاحبخانه است، نوک نونش را با تیر هم نمیشه زد، آفتاب تا حالا سفره شو ندیده، به نانوش چوپان بودیم، مهمان خنده‌روست صاحبخانه خون بگرید (خضرای، ۱۳۸۲: ۱۰۹۵). مهمان که یکی شد صاحبخانه گاو میکشد (عظیمی، ۱۳۸۲: ۴۰۳) مهمان سیر سر قفلی دارد (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۷: ۹۱۷) مهمان یک روز دو روز است (امینی، بی تا: ۵۹۰؛ دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۷۶۴/۴) و ...

### ب) باورها

در حالت‌های مختلف مهمان و مهمانی باورهای متعددی وجود دارد که نمونه‌های آن عبارتند از: اگر مرغ جلو در خانه بر خاک بیفتد، نشانه آمدن مهمان است. عطسه در خواب نشانه آمدن مهمان است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۰۶۳). چای روی استکان، تار شدن مو، جارو کردن بچه‌ها، بازکردن پا و از میان آن نگاه کردن، جفت شدن کفش، آواز خواندن خروس (گیلان)، خارش پشت لب مردان، پریدن تکه خمیر، اتفاقی ردیف شدن استکانها، قارقار کلاغها، پرواز کفش دوزکها، قاصدک، گربه خاک آلود، پلک پریدن، افتادن بی اختیار قند از دست کسی که چای میخورد، افتادن لقمه از دست یا دهان، افتادن کرکیت یا قیچی قالبیافی. در خانه دیگران ناخن نگیرید تا پایتان از خانه بریده نشود. اگر نوزاد زیر چهل روز در خانه هست، به مهمان شورچشم و بخیل نشان ندهید (مصاحبه با کتابیون احمد فخرالدین). اگر کودک همراه مهمان خوابید برای او غذا بگذارید تا رزقتان کم نشود. لباس تازه را بر تن مهمان بپوشانید تا برکت به صاحبش برساند. در تعبیر خواب نیز دیدن مهمانی و مهمانی رفتن، خوب است.

## پ) آداب و رسوم

آداب و تشریفات خاص استقبال و بدرقه مهمان در هر ناحیه‌ی قابل توجه است. درهای قدیم، کوبه زن و مرد داشت تا به تناسب جنس فرد، کسی برای باز کردن در پیش برود. این سنت با حضور بزرگترها جلو در رابطه داشت. در قروه افراد متعهد میشدند تا مهمان غریب را پذیرایی کنند. آنها یک جفت شاخ بز کوهی را به نشانه مهمان‌پذیری بر سر در خانه خود نصب میکردند (همان: ۱۰۵۴). در بختیاری تشمالها مسئول پذیرایی و نواختن ساز و دهل برای مهمانی بودند. صاحبخانه نباید زودتر از مهمان غذا بخورد و یا دست بکشد. در برخی نواحی ایران مهمان را تنها میگذارند تا بدون تعارف و رودربایستی غذا بخورد. اگر مهمان تقاضا کند که صاحبخانه با او همراهی کند، با او غذا میخورند. اغلب اقوام ایرانی، نوع غذاها، نوشیدنی، میوه و تنقلات را با توجه به فصل مشخص میکنند. پذیرایی با آب در سیستان (خلعتبری لیماک، ۱۳۸۸: ۴۲)، پذیرایی با آش، چای، خوراک نان و ماست، نان و پنیر و ... از سادگی در پذیرایی ولی الزام به آن دارد. در بختیاری برای مهمان عزیز ساز و دهل میزنند و حتی مشابه عروسی دستمال‌بازی، چوب‌بازی و سواربازی میکنند. برای تفریح و سرگرمی مهمان‌بازیهای دو یا چند نفره چون کوس و چار،<sup>۱</sup> دوز،<sup>۲</sup> الختر و ... را برپا میکنند. از مهمان پس از شریک شدن در نان و نمک همچون عضو خانواده پذیرایی میکنند. در بسیاری از انواع گونه‌های فولکلور مانند قصه و متل هم بخشی از حوادث با مهمانی پادشاه بر مرد فقیر، انتخاب دختر فقیر خانواده از سوی پسر پادشاه بسبب مهمان‌نوازی و ... وجود دارد. جلو مهمان پا دراز نمیکنند، دعوا نمیکنند، بلند صحبت نمیکنند، حرف رکیک و زشت نمیزنند، با سر و وضع و لباس نامناسب و رفتار سخیف حضور نمی‌یابند (مصاحبه با احمد قنبری). مهمان غریب، معلم و یا پزشک را بصورت دوره‌یی و ترتیبی به خانه دعوت میکنند. اگر مهمان وسایل خود را در خانه میزبان بگذارد قصدش ماندن است و بدون گفتار پیام خود را منتقل میکند (مصاحبه با محمد ابدالی).

خُرده فرهنگها در اجزا و عناصر مهمانی هم جالب توجه است و برای گردشگران و تورهای مسافرتی حائز اهمیت است؛ مثلاً بین اعراب خوزستان، قهوه‌نوشی آداب و آیین خاصی دارد و وظایف ساقی و مهمان، نوع وسایل، آداب گرفتن فنجان، قرار دادن قاشق، ایستاده نگه داشتن و چپ کردن استکان و ... خاص است و ندانستن آنها گاهی توهین‌آمیز است. مهمان کردن عروس

1. kusočâr

2. duz

و داماد از طرف خانواده‌ها و وابستگان هم آداب خاص خود را دارد (مصاحبه با علی فرهادیان). اگر مهمان به صاحبخانه هم حرف تلخی بزند به احترام او سکوت میکنند و میگویند «سرِ جامون نشسته» (مصاحبه با فروغ ماهیگیر). قبل از ورود مهمان عود میسوزانند و آب و جارو میکنند و وقتی مهمان آمد با گلاب از او پذیرایی میکنند (همانجا). اگر مهمان ناخوانده باشد، اول به او آب تعارف میکنند، اگر خورد یعنی سیر است و اگر نه، گرسنه است و میزبان باید به فکر غذا باشد (مصاحبه با شهباز قنبری). باید با بهترین ظروف از مهمان پذیرایی کرد. آب و حمام برای او مهیا نمود. بهترین رختخواب را برایش پهن کرد و از او درباره نوع غذا، حساسیتها و بیماری و ... سؤال کرد. اگر مهمان کمرو و تعارفی باشد باید او را تنها گذاشت تا راحت غذا بخورد. وقتی مهمان آمد هنگام رفتن باید با دست پر و سوغات برود. در لرستان، ایلام، کرمانشاه، خوزستان و بختیاری، بچه‌یی از لباس، خوراکی، مواد بهداشتی و ... برای مهمان میگذارند که به آن «سررختی» میگویند (مصاحبه با شاه‌یجان قنبری). گلستانها بهترین غذاها را مثل عدس پلو با مرغ، چلو خورش کدو و ... برای مهمان می‌آورند (مصاحبه با محمدباقر مسعودی). در لرستان ساده پذیرایی کردن را سبب راحتی مهمان میدانند و میگویند غذا را برای بچه خودمون مییزیم و احترامش را به مهمان میگذاریم (مصاحبه با فروزان ادیب‌فر). مراسم عید فطر، قربان و نوروز و عروسی را از مهمانیهای شادی میدانند (مصاحبه با پورنصیر لرستان). هنگام غذا خوردن مهمان را راحت بگذارید تا هرچه میخواهد بخورد (مصاحبه با علی علی‌یاری).

### ت) تعارفها

میزبان برای دعوت میگوید: قدم بر چشم گذاشتی، گداخانه ما را منور کردی، خانه ما صفا پیدا کرد، کلبه درویشی ما با وجود شما کاخ شاهی شد و ... مهمان هم در پاسخ از عبارتهایی چون: دولت‌سراست، خانه امید ماست، خانه ارباب است، کاخ شاهی ست و ... استفاده میکند. این تعارفها به فراخور فضای کاربردی (کانتکت) تغییر میکنند؛ مثلاً در عروسی و مجالس شادی میگویند: ان‌شاءالله نصیب فرزندانمان شود، صفا آوردید، بی شما صفایی نداشت، کلبه ما منور شد، ان‌شاءالله در عروسی بچه‌هایتان جبران کنیم و ... یا در مراسم عزاداری میگویند: مرده ما را زنده کردید، کمر شکسته‌ام با آمدنت راست شد، جان گرفتیم و .... و در سفرهای زیارتی میگویند: نایب‌الزیاره بودیم، به یادتان بودیم، همه جا مقابل چشم ما بودید، صفا آوردید و ...

## ث) ترانه‌ها

دو چشمونی به در دارم خدایا  
 عزیزی در سفر دارم خدایا  
 همه می‌گن عزیزت کی میایه  
 به دل شوق دگر دارم خدایا

## تأثیر فرهنگ مهمان‌نوازی ایرانی در توسعه گردشگری

درآمد اصلی کشور ما بر مدار فروش نفت است و تاکنون هیچ منبعی بطور جدی نتوانسته با آن رقابت کند. خوب است در کنار این منبع مهم، منابع دیگری هم برای افزایش درآمد ملی و جذب سرمایه داشته باشیم که بی‌گمان با توجه به شرایط تاریخی- فرهنگی و اجتماعی ایران در منطقه و آسیا، بخش گردشگری و توریسم می‌تواند با پتانسیل و ظرفیت مطلوبی بهترین انتخاب دولت و ملت ما باشد.

گردشگران در اندیشه خودی از سفرهای داخلی یا خارجی مطالباتی دارند که حفظ آنها با رویکرد جذب، پاسداشت و افزایش مشتری در بازار امروزی، کار فنی و بسیار حساسی است. امکانات رفاهی، زیرساختهای خدماتی، آژانسهای گردشگری و اطلاع‌رسانی درست، یاریگر سازمانهای سیاستگذار و مدیران اجرایی خواهد بود. شناخت چالشها و فرصتهای حوزه گردشگری ایجاب میکند که در بخش خدمات مشترک جهانی از تجربیات ملل دیگر بهره‌مند شویم ولی در بخش مسائل خاص همچون مهمان‌نوازی (عناصر و ترکیبات فرهنگی) از تجارب اقوام و طوایف کشور بهره‌مند گردیم. اگرچه گردشگری مردم در کشور خود (درون‌مرزی) و همچنین سفرهای خارجی (برون‌مرزی) در قالب موضوع ما می‌گنجد ولی بحث بر سر توریسم یا گردشگری خارجی است که با رویکرد تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی می‌تواند بعنوان پدیده‌ی ثروت‌زا و عنصر سرمایه‌گذاری در اشتغال مورد توجه قرار گیرد. تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر، معماری و جلوه‌های طبیعی ایران زمین با جغرافیای چهار فصل و نعمتهای ایزدی، جاذبه‌های بسیاری در پذیرش گردشگران و توسعه پایدار این صنعت جهانی در کشور می‌باشد. جهانگردی مدیریت علم و هنر اداره انسانها و منابع برای نیل به اهداف است (الوانی، ۱۳۸۵: ۸۴) به یقین رسیدن به اهداف مشترک (برد- برد) در گرو نو کردن روشها و شناخت آسیبهای این صنعت جهانی است. در اساس توسعه یک مفهوم نرم‌افزاری است و بعنوان یک مسئله اقتصادی، بی‌نیاز از پیوسته‌های فرهنگی نیست. همین

موضوع ما را به ضرورت شناخت فرهنگ و مصادیق آن رهنمون می‌شود. از بارزترین نمودهای فرهنگ ایرانی، مهمان‌نوازی است که می‌تواند از جذابترین خاطرات گردشگران خارجی در سفر به ایران باشد. اگر این عناصر مورد توجه قرار گیرد، نتایج خوبی را برای سرمایه‌گذاران و فعالان این بخش به‌همراه خواهد داشت و این چرخه موجب رشد و توسعه قابل انتظار صنعت پر درآمد گردشگری خواهد شد. شرایط متنوع زیستی و اقلیمی استانهای کشور پذیرای انواع گردشگر فرهنگی، مذهبی، ورزشی، اقتصادی، سیاسی و همچنین استراحت و سلامت، تعطیلات، روابط و همبستگیهای اجتماعی (رنجبریان، ۱۳۸۹: ۶۸-۷۸؛ قره‌نژاد، ۱۳۸۸: ۶۷-۷۷) می‌باشد. این ظرفیت ارزنده بعنوان صنعت سفید (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۳) و بدون توجه به انگیزه‌های سفر (ر.ک: رنجبریان، ۱۳۸۹: ۵۳) می‌تواند در حوزه‌های عمومی، تخصصی، تجاری و ... توسعه یابد. بی‌گمان توسعه پایدار یعنی گسترش صنعت گردشگری و جذب گردشگر با حفظ هویت فرهنگی، سلامت محیط زیست، تعادل اقتصادی (ر.ک: معصومی، ۱۳۸۸: ۱۵۹) که مستلزم شناخت فرهنگ غیرمادی (ناملموس) کشور است. با عنایت به موضوع مهمان‌نوازی اقوام ایرانی، این توسعه با موارد زیر مرتبط می‌باشد:

۱. نقش دانشگاهها در توسعه گردشگری با آموزش اصول مهمان‌داری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، توجه خیران و نیکوکاران برای جذب گردشگر و توجه به مسئله وقف و امور معنوی و مذهبی بسیار مؤثر است.

۲. گردشگری می‌تواند فرهنگ و جلوه‌های فولکلوری ایران زمین را در آیین مهمان‌نوازی اقوام ایرانی نمایش دهد.

۳. شناخت بیشتر ایران بعنوان جامعه میزبان با قابلیت‌های مهمان‌نوازی سنتی و قومی و رویکردهای نوین متناسب با استانداردهای جهانی، در توسعه گردشگری در بخش سرمایه‌گذاری با استفاده از قابلیت فرهنگ مردم و فولکلور است.

۴. توسعه صنایع جانبی نظیر هنرهای عشایری- روستایی و شناسایی استعدادهای بومی- محلی در حوزه گردشگری

۵. کمک به تأسیس و راه‌اندازی رشته‌های مهارت‌محور و اشتغال‌زای صنعت گردشگری در دانشگاهها و مراکز آموزشی با رویکرد فرهنگ‌شناسی و گرایشهای بین‌رشته‌یی

۶. فرهنگ‌سازی برای امنیت مسافران و بهره‌مندی از فرهنگ ایرانی در توسعه گفتگوی تمدنی و آشنایی با فرهنگ ایرانی و حضور امن گردشگران در جامعه عشایری- روستایی

۷. استفاده از ظرفیتهای فرهنگی- تاریخی در سرمایه‌گذاریهای اقتصادی سودآور

۸. استفاده از راهنمایان و همراهان بومی- محلی و گسترش صنایع محلی و حضور در آیینها و مراسم طبیعی و محلی (توریسم فرهنگ عامه)
۹. توجه به تولید و اشتغال مولد جوانان با احیاء سنتهای بومی- محلی با فعال کردن توریسم دانشجویی و رویکرد اقتصاد مقاومتی (تولید و اشتغال)
۱۰. توجه به جاذبه‌های فرهنگی عشایر با فرایندهای زیستی و طبیعی کوچ، اسکان، بازارچه‌های محلی
۱۱. آموزش کُنشگران حوزه گردشگری برای تقویت روحیه مهمان‌نوازی توأم با رفتار صادقانه، مؤدبانه و به دور از گرایش محض اقتصادی
۱۲. تقویت رویکرد فرایندمحوری مهمان‌نوازی ایرانی، زیست واقعی در محیط و پرهیز از رفتار خشک تماشاگری

### نتیجه‌گیری

گردشگران برای هرچیزی هزینه نمیکنند و با توجه به پیوستگی خدمات دریایی، زمینی و هوایی و همچنین اسکان و سفر، بازار و سیر و سیاحت باید مجموعه‌یی از عناصر با همبستگی بالا دست در دست هم کار کنند. لازم است که برای توسعه این صنعت اقتصادی پر درآمد، اشتغال‌زا و مولد، از قدرت فرهنگ ملی و منسجم اقوام کشور بهره گرفته شود. این پیوستگی و بایستگی در گروه شناخت فرهنگها و خرده فرهنگهای ایرانی است. مهمان‌نوازی بعنوان جاذبه‌یی فوق‌العاده اثرگذار دارای دو بخش ذاتی و اکتسابی است: بخش اکتسابی آن را باید تقویت کرد و به فراخور مخاطبان آموزش داد. گردشگران فصلی، دایمی، کارگران، بازنشستگان، بازاریان و ... باید از خدمات چتری و گسترده این حرفه بخوبی بهره‌مند شوند. جوانان و نیروهای دانشگاهی با استفاده از دانش روز و تجارب گذشتگان میتوانند در این صنعت، بسیار موفق ظاهر گردند. روحیه مهمان‌نوازی ایرانی با توجه به تنوع اقوام میتواند سبب توسعه گردشگری و جذب بهتر مسافران علاقمند داخلی و خارجی شود. این بازار پررونق با پیوند فرهنگ عامه و فولکلور ایرانی میتواند زمینه بسیار خوبی در تکامل و دستیابی به اهداف متنوع این صنعت شود.

## منابع

- الوانی، مهدی؛ فرایند مدیریت جهانگردی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر؛ جغرافیای لرستان: پیشکوه و پشتکوه، خرم‌آباد: شاپورخواست، ۱۳۹۵.
- امینی، امیرقلی؛ فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی، تهران: انتشارات علمی، بی‌تا.
- پورکاظم، کاظم؛ امثال و حکم عرب خوزستان، سوسنگرد: سرزمین خوز، جلد سوم، ۱۳۸۰.
- خضرای، امین؛ فرهنگ نامه امثال و حکم ایرانی، شیراز: نشر نوید، ۱۳۸۲.
- خلعتبری لیمایی، مصطفی؛ جایگاه مهمان و مهمان‌نوازی در فرهنگ مردم ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو، ۱۳۸۸.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد دوم، ۱۳۶۱.
- \_\_\_\_\_؛ امثال و حکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، چاپ ششم، ۱۳۶۳.
- \_\_\_\_\_؛ لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد دهم، ۱۳۶۸.
- دهگان، بهمن؛ فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، ۱۳۸۳.
- ذوالفقاری، حسن؛ باورهای عامیانه مردم ایران، با همکاری علی‌اکبر شیری، تهران: نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- ذوالفقاری، حسن؛ فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، تهران: نشر معین، جلد دوم، ۱۳۸۸.
- رنجبریان، بهرام؛ شناخت گردشگری، اصفهان: نشر چهارباغ، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
- زنگویی، حسین؛ داستانها و داستان‌ها، ریشه‌شناسی امثال و حکم خراسان جنوبی، تهران: انتشارات فکر بکر، ۱۳۹۱.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم؛ دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها، مشهد: انتشارات آستان قدس، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- عسکری عالم، علیمردان؛ ادبیات شفاهی قوم لر، تهران: نشر آرون، ۱۳۸۸.
- عظیمی، صادق؛ فرهنگ مثلها و اصطلاحات متداول در زبان فارسی، تهران: نشر قطره، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- فلاحی، کیومرث؛ رفتارشناسی ایرانیان، تهران: نشر مهکامه، چاپ دوم، ۱۳۹۱.

- قتالی، سید عبدالجلیل؛ مجموعه ضرب‌المثل‌های مشهور بندر خمیر (هرمزگان)، شیراز: انتشارات ایلان، ۱۳۸۶.
- قره‌نژاد، حسین؛ صنعت گردشگری و تحلیلهای اقتصادی آن، نجف آباد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.
- قنبری عدوی، عباس؛ ادبیات عامه بختیاری، شهرکرد: نشر نیوشه، ۱۳۹۱.
- \_\_\_\_\_؛ ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد، شهرکرد: نشر نیوشه، ۱۳۹۳.
- کوپر، مریان سی؛ علف، ترجمه شاهرخ باور، تهران: انتشارات نامک، ۱۳۹۳.
- معصومی، مسعود؛ درآمدی بر رویکردها در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری محلی، شهری و منطقه‌یی، تهران: نشر سمیرا، ۱۳۸۸.
- مقصدلو، بهمن؛ علف؛ داستانهای شگفت و ناگفته، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۹.
- مهرآبادی، میترا؛ زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران: انتشارات آفرینش، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ؛ رساله لرستان و لرها همراه با سفرنامه بارون دویلد، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: نشر آرون، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- وست، ویتا سکویل؛ ۱۲ روز سفر به سرزمین بختیاری، ترجمه شفق سعد، تهران: انتشارات فرزانه روز، ۱۳۸۰.
- ویلسون، آرنولد تالبوت؛ سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران، ترجمه و حاشیه علی محمد ساکی، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست، ۱۳۹۴.

#### مصاحبه با:

- بهجت تربتی‌نژاد (گرگان)؛ پورنصیر (لرستان)؛ شهناز قره‌تپه (کرمانشاه)؛ راشین کریمی (چهارمحال و بختیاری)؛ محمد ابدالی (لرستان)؛ شاه‌یجان قنبری (خوزستان)؛ فروغ ماهیگیر (بهبهان)؛ احمد قنبری (شهرکرد)؛ شهباز قنبری (اصفهان)؛ فروزان ادیب‌فر (لرستان)؛ محمدباقر مسعودی (گلستان)؛ علی‌علی یاری (گنبد)؛ کتایون احمدفخرالدین (اهواز).